



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.  
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی [www.wikifeqh.ir](http://www.wikifeqh.ir) مراجعه فرمایید.

## نکره در سیاق نفی

نکره در سیاق نفی، **اسم نکره** بعد از **لای نفی جنس**، از مصادیق **الفاظ عموم** است.

### فهرست مندرجات

- ۱- تعریف
- ۲- از الفاظ عموم
- ۳- توضیح
- ۴- نظر شهید صدر
- ۵- چگونگی دلالت لای در سیاق نفی بر عموم
- ۶- اقسام تعلق نفی بر طبیعت
- ۷- بانویس
- ۸- منبع

### تعریف

نکره در سیاق نفی، اسم نکره‌ای است که با «لای نفی جنس» منفی شده است، مثل: «لا رجل فی الدار».

### از الفاظ عموم

نکره در سیاق نفی، از الفاظ عموم می‌باشد، اما درباره منشأ عموم آن، اختلاف است.

### توضیح

بسیاری از اصولیون معتقدند عموم، گاهی از راه **لفظ و دلالت لفظی**، گاهی از راه **عقل** و گاهی هم با **اطلاق** به دست می‌آید. در جایی که الفاظی عام، مثل: «کل»، در جمله «اکرم کل عالم»، به کار برده می‌شود، عموم از راه **دلالت وضعی لفظی** به دست می‌آید و در جایی که عموم از راه عقل ثابت می‌شود، به نکره در سیاق نفی، مثل: «لا رجل فی الدار» مثال زده‌اند؛ به این بیان که عقل حکم می‌کند **طبیعت و ماهیت** در مقام تحقق و وجود، با یک فرد هم وجود پیدا می‌کند، اما در مقام انتفا و انعدام، انتقای طبیعت با انتقای همه افراد آن محقق می‌شود. در این مثال نیز چون نکره (رجل) در سیاق نفی وارد شده است، بر **انتفا** دلالت می‌کند؛ از این رو، به ضمیمه **حکم عقل** (الطبیعة تنعدم بانعدام جمیع افراده) از آن عموم استفاده می‌گردد. قسم سوم مانند: «لحلّ الله البیع»، که از **اطلاق** آن استفاده می‌شود که مقصود «لحلّ الله کل بیع» است و بین مفاد «لحلّ الله البیع لکل الله کل بیع» تفاوتی نیست، جز این که در دومی به کمک دلالت لفظی و در اولی از راه اطلاق و **مقدمات حکمت**، عموم استفاده می‌شود. البته برخی از **اصولیون** متلخر، تنها راه استفاده عموم را دلالت وضعی دانسته و به دو شیوه دیگر اشکال نموده‌اند. **لسیری** کامل در اصول فقه، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۷، ص ۶۰۴.

### نظر شهید صدر

«شهید صدر» معتقد است **اثبات اطلاق شمولی** برای نکره، از راه مقدمات حکمت، امکان ندارد و این در حالی است که از «نکره در سیاق نفی» **شمول افرادی** استفاده می‌شود. وی سپس دو روش را برای استفاده شمول افرادی از «نکره در سیاق نفی» ارائه می‌کند:

۱. سیاق، **قرینه** شود برای خروج نکره از نکره بودن، و پس از این که به سبب سیاق، **اسم**، صلاحیت شمول یافت، با **عمل** کردن به مقدمات حکمت، شمول و عموم استفاده شود.
۲. استفاده شمولیت از راه **دلالت عقلی**، زیرا لازمه نفی طبیعت، انعدام آن است و انعدام طبیعت به انعدام همه افراد آن می‌انجامد. این روش را **مرحوم آخوند** در «کفایم» مطرح کرده

**چگونگی دلالت لا در سیاق نفی بر عموم**

طبیعتی که در سیاق نفی یا **نهی** واقع می‌شود در صورتی بر عموم دلالت می‌کند که به نحو ارسال و اطلاق اخذ شده باشد؛ یعنی طبیعت مرسله و ساریه در همه افراد، همان طبیعتی است که نسبت به افراد خود ارسال و شمول دارد؛ اما اگر طبیعتی به طور مبهم اخذ گردد، مثل این که مولا بگوید: «لا تضرب رجلاً» و احتمال داده شود مقصود او رجل فاسق بوده نه مطلق رجل، در این صورت نفی یا نهی بر عموم دلالت نمی‌کند.

[کفایة الاصول، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۳، ص ۳۶۵.](#)

**اقسام تعلق نهی بر طبیعت**

این که نهی به طبیعت تعلق می‌گیرد، گاهی به ملاک عدم وجود طبیعت برمی‌گردد، مثل: «لا رجل فی الدار»، گاهی به ملاک عدم **صحت** طبیعت، مثل: «لا صلاة الا بفتحہ الکتب» و گاهی نیز به ملاک نفی **کمال**، مثل: «لا صلاة لجار المسجد الا فی المسجد».

[الموجز فی اصول الفقه، سبحانی تبریزی، جعفر، ج ۱، ص ۱۸۶.](#)

[علم اصول الفقه الاسلامی، ابراهیم، ابراهیم عبدالرحمان، ص \(۱۸۶-۱۸۵\).](#)

[کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۳۸۱.](#)

[کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۲۵۴.](#)

[الاصول، شیرازی، محمد، ج ۵، ص ۲۴.](#)

[معالم الدین و ملاذ المجتهدین، صاحب معالم، حسن بن زین الدین، ص ۱۰۲.](#)

[المعجم الاصولی، حیدر، محمد صنقور علی، ص ۹۳۵.](#)

[اصول الفقه، ابوزهره، محمد، ص ۱۴۶.](#)

[الاحکام فی اصول الاحکام، آمدی، علی بن محمد، ج ۱، ص ۴۲۱.](#)

[قوانین الاصول، میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، ج ۱، ص ۲۲۳.](#)

**پانویس**

۱. [سیری کامل در اصول فقه، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۷، ص ۶۰۴.](#)

۲. [دروس فی علم الاصول، صدر، محمد باقر، ج ۲، ص \(۱۱۰-۱۰۹\).](#)

۳. [کفایة الاصول، فاضل لنکرانی، محمد، ج ۳، ص ۳۶۵.](#)

۴. [الموجز فی اصول الفقه، سبحانی تبریزی، جعفر، ج ۱، ص ۱۸۶.](#)

۵. [علم اصول الفقه الاسلامی، ابراهیم، ابراهیم عبدالرحمان، ص \(۱۸۶-۱۸۵\).](#)

۶. [کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۳۸۱.](#)

۷. [کفایة الاصول، آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، ص ۲۵۴.](#)

۸. [الاصول، شیرازی، محمد، ج ۵، ص ۲۴.](#)

۹. [معالم الدین و ملاذ المجتهدین، صاحب معالم، حسن بن زین الدین، ص ۱۰۲.](#)

۱۰. [المعجم الاصولی، حیدر، محمد صنقور علی، ص ۹۳۵.](#)

۱۱. [اصول الفقه، ابوزهره، محمد، ص ۱۴۶.](#)

۱۲. [الاحکام فی اصول الاحکام، آمدی، علی بن محمد، ج ۱، ص ۴۲۱.](#)

۱۳. [قوانین الاصول، میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، ج ۱، ص ۲۲۳.](#)

**منبع**

فرهنگنامه اصول فقه، تدوین توسط مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۸۵۵، برگرفته از مقاله «نکره در سیاق نفی».